

بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر
انتخابات ریاست جمهوری دوره اول و دوم
حسین احمدی سفیدان^۱ زهرا نصیرزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

چکیده:

در نخستین سال های پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر و محمد علی رجایی، نبض سیاسی کشور دچار شدت و ضعف گردید و حوادثی در جامعه به وجود آمد که همگان را بهت زده و غافلگیر کرد. بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در دوره اول و دوم انتخابات ریاست جمهوری هدف این مقاله است. سؤال اصلی، چه عواملی بر مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری دوره اول و دوم اثرگذار بوده است؟ از الگوی نظری نوریس به مثابه چارچوب نظری استفاده شده است. یافته ها و نتایج تحقیق بیانگر آن است که از بین عوامل اثرگذار بررسی شده در مشارکت سیاسی، نابسامانی های اوایل انقلاب، دیدگاه های بنی صدر در مورد مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و موضع گیری در مقابل آمریکا و خوش اقبالی وی در حذف خودبه خودی رقبای اصلی اثرگذاری بیشتر داشته است. از عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری، سابقه مبارزاتی محمدعلی رجایی در قبل و عملکرد ایشان در مسئولیت های بعد از انقلاب، دیدگاه های وی در زمینه مسایل گوناگون و خصوصیات فردی او همچون ساده زیستی، قانون گرایی و عدالت محوری بوده است.

واژگان اصلی: مشارکت سیاسی، انتخابات ریاست جمهوری، انقلاب، دولت، بنی صدر، رجایی

مقدمه

جمهوری یکی از مهم‌ترین زوایای فرهنگ سیاسی از نظر جامعه‌شناسان سیاسی مشارکت سیاسی است. بعضی از نویسندگان مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه‌ای می‌دانند که اعضای یک جامعه در تعیین حاکمان به شکل مستقیم یا غیرمستقیم و در صورت‌بندی سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند (شهبازی، ۱۳۸۰: ۵۹).

در این پژوهش میزان مشارکت سیاسی در نخستین انتخابات رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دوران پهلوی دوم دوره‌های متعدد مشارکت سیاسی و انتخابات بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر حاکمیت، میزان مشارکت سیاسی تغییر پیدا کرده است. نوع مشارکت سیاسی مردم یک کشور و میزان آن یکی از ابعاد اساسی فرهنگ سیاسی هر ملتی به حساب می‌آید. به دلیل آنکه مشارکت سیاسی فرآیندی است که گروه‌های مختلف جامعه از جمله احزاب، نهادهای سیاسی، تشکل‌های صنفی و اجتماعی و در مجموع «مردم» را شریک و درگیر قدرت سیاسی می‌کند، پشتمانه مهمی برای تثبیت نظام است. پس حکومت‌ها برای تثبیت و تداوم خویش نیازمند مشارکت سیاسی و مردمی می‌باشند. در زمان پهلوی دوم، با شکل‌گیری جریان نوگرایی و تبدیل آن به عنوان قانون مشروعیت، شکاف‌های گوناگونی همچون تجدد، مدرنیسم، دین و دولت و ... در ایران به وجود آمد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۴۲۲). در طی سال‌های ۴۲ تا ۵۷ این شکاف تا حدی زیاد شد که نیروهای مذهبی علاوه بر عدم مشارکت سیاسی، به دنبال راه‌هایی برای ایجاد اختلال در روند مشارکت سیاسی بودند (تبریزیا، ۱۳۷۱: ۲۴۶). بحران مشارکت سیاسی در حکومت پهلوی موجب شده بود تا در کشور نیاز به افزایش مشارکت سیاسی احساس شود.

محمدرضا شاه همچون پدرش اقدام خاصی برای مشارکت دادن مردم در امر توسعه سیاسی و تغییر ساخت قدرت بسته سیاسی انجام نداد. فضای باز سیاسی ناشی از فشارهای بین‌المللی که در سال‌های پایانی سلطنت محمدرضا شاه در ایران به وجود آمد به دلیل اینکه اقدام قابل توجهی از طرف دولت برای تقسیم قدرت انجام نشد، به جای ایجاد زمینه‌های مناسب مشارکت مردم در قدرت، مبارزه داوطلبانه آن‌ها با نظام سیاسی را در پی داشت (نراقی، ۱۳۷۲: ۱۲).

اهتمام امام خمینی و مقام معظم رهبری به برگزاری به موقع انتخابات‌ها در هر شرایطی نشانگر پابندی ایشان به حق حاکمیت مردم و حق مشارکت سیاسی («میزان رأی ملت است») بر نظام سیاسی بعد از انقلاب است (خواجه سروری، ۱۳۹۲: ۶۵).

در قانون اساسی هم حق حاکمیت متعلق به مردم می‌باشد و مردم برای تحقق آن می‌بایست مشارکت مؤثر و فعال داشته باشند. شهروندان با مشارکت سیاسی کارگزاران سیاسی را در سطوح گوناگون تعیین می‌نمایند و از این طریق بر سیاست‌های کلان کشور تأثیر می‌گذارند. در واقع مردم حق حاکمیت خود را از راه همه‌پرسی، شرکت در انتخابات و دیگر فعالیت‌های سیاسی اعمال می‌نمایند (شاه علی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۸). با توجه به محتوای قانون اساسی، حصول آزادی‌های سیاسی اجتماعی از راه آزادی بیان و عقیده، آزادی احزاب و تشکل‌های سیاسی و آزادی فعالیت سیاسی امکان‌پذیر است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دو اصل اسلامیت و جمهوریت می‌باشد؛ اسلامیت به عنوان نظام و جمهوریت به مثابه شکل نظام و جمهوریت به معنای تکیه بر حضور مستمر مردم برای عملی کردن آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی.

بنی‌صدر اولین رئیس جمهور ایران فرزند آیت‌الله نصرالله بود که در روستای باغچه از توابع همدان متولد شد. اولین فعالیت سیاسی وی تلاش برای جمع آوری اعضا برای حمایت از ملی کردن صنایع نفت در دبیرستان‌های تهران بود. به پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ فعالانه در مبارزاتی که به رهبری امام گسترش می‌یافت مشارکت کرد و با تشدید اختناق در کشور راهی فرانسه شد. وی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ همراه امام به ایران بازگشت به گفته بسیاری وی جزء معدود افراد نزدیک به امام در پاریس بوده است (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۱۸۳). محمدعلی رجایی دومین رئیس جمهور ایران در سال ۱۳۱۲ در قزوین متولد شد. بعد از پیروزی انقلاب در زمان دولت اول به نخست‌وزیری برگزیده شد و طی این دوران با بنی‌صدر بر سر موضوعات مختلف اختلاف نظر داشت. وی بر اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی تأکید زیادی داشت، بر اساس این اصل باید تمام ثروت‌هایی که از راه نامشروع به دست آمده گرفته شود و به بیت‌المال برگردد.

پیشینه تحقیق

علی ملکی (۱۳۹۹) در مقاله «مبانی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» تلاش کرده است مبانی مشارکت سیاسی در ایران بررسی کند که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که فقدان اجماع نظری در مورد مبانی مشارکت سیاسی و تعدد نگرش‌ها درباره مشارکت افراد و نهادها نوعی چالش نظری و بستری برای چالش‌های عملی به وجود آورده و موجب ایجاد موانع در مسیر توسعه شده است. مشارکت نهادمند، رقابت نهادهای مدنی، گفتگوی آزاد اقناعی راه‌کارهای دموکراتیکی هستند که برای حل این مشکل پیشنهاد شده است.

محمد زنگوئی (۱۳۹۷) در مقاله «کاوشی بر مشارکت سیاسی در ایران» به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم در انتخابات، ابعاد مشارکت سیاسی، الگوهای رفتاری در انتخابات و عوامل اثرگذار در رفتار انتخاباتی و انتخابات در چند کشور توسعه یافته پرداخته است.

احمدی سفیدان و نصیرزاده (۱۳۹۹) در «بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ریاست جمهوری نهم و دهم» به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم در انتخابات دولت های نهم و دهم بر مبنای نظریه پیا نوریس پرداخته اند. در این بررسی باورهای مذهبی، عملکرد دولت قبلی، فعالیت های تبلیغاتی، و سیاست های پوپولیستی از عوامل اثر گذار بر مشارکت سیاسی شناخته شده اند.

حسین رحمت الهی و احسان آقامحمد آقایی (۱۳۹۲) در مقاله «درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت پذیری مردم» به تلاش دولت ها برای اتخاذ رفتار مناسب در قبال مشارکت شهروندان با باور به انتقال پذیری قدرت، می تواند معیار مهمی در درجه مشروعیت دولت ها تلقی شود. بر این اساس دولت نقشی اثربخش در فرآیند مشارکت پذیری مردم و ایجاد جامعه مشارکتی دارد.

غلامرضا خواجه سروری و رشید جعفرپور کلوری (۱۳۹۲) در «بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی در دولت در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی» با استفاده از الگوی نظری فرهنگ سیاسی آلموند کوشیده اند نحوه و میزان مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی نسبت به دوره پهلوی دوم و تغییر و تحولات آن را مورد بررسی قرار دهند.

با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی در سرنوشت حکومت ها و پیامدهایی که شرکت مردم در انتخابات برای ایشان و جامعه دارد این مسأله مورد توجه و بررسی محققان زیادی قرار گرفته است، اما پژوهشی که مشخصاً مشارکت سیاسی در دولت های اول و دوم را مورد بررسی قرار داده باشد وجود نداشته است بنابراین در این پژوهش تلاش شده است تا مشارکت سیاسی در دولت های اول و دوم مورد بررسی قرار گیرد.

تمهیدات نظری

شیوه های مشارکت سیاسی در جوامع مختلف متفاوت است در این باب نظریه های مختلفی از سوی اندیشمندان ارائه شده است که هر کدام بیانگر تفاسیر ارزشمندی درباره اینکه بازیگران سیاسی تا چه حد به تغییرات در قواعد رسمی عکس العمل نشان خواهند داده بوده و در نهایت هر یک از آنها بر عقاید مختلفی در زمینه رفتار انسانی رأی دهی تکیه می کنند. (فیرحی، ۱۳۸۵: ۴۴)

از میان نظریه های مربوط به مشارکت سیاسی شاید بتوان الگوی نظری پیا نوریس را بهترین الگویی

دانست که با نگاهی جامع به پدیده مشارکت سیاسی در سه سطح کلان، میانی و خرد می تواند همه ابعاد آن را مورد نظر قرار دهد، به ویژه در ایران می تواند جوابگوی چرایی و چگونگی روند مشارکت سیاسی تصمیم گیری های مردم در زمینه انتخابات باشد. (احمدی سفیدان و نصیرزاده، ۱۳۹۹: ۲۳۴)

نظریه «نهاد گرایی انتخاب عقلانی و محاسبه پاداش» و «نظریه نوسازی فرهنگی و عادت های ذهنی» از مهم ترین رویکردهایی هستند که برای تبیین مشارکت سیاسی مورد استفاده قرار می گیرند. پپانورس استاد سیاست تطبیقی در دانشکده جان اف کندی دانشگاه هاروارد این نظریه را در مورد مهندسی انتخابات، مقایسه و ارزیابی ارائه کرده است.

ادعای اصلی نظری در نهادگرایی انتخاب عقلانی این است که قواعد رسمی انتخابات انگیزه های مهمی را ایجاد می کنند که قادر به شکل دهی و مهار رفتار سیاسی هستند. این انگیزه ها گاهی در سطح کلان، گاه در سطح میانی و گاهی هم در سطح خرد بر رفتار انتخاباتی رأی دهندگان اثر می گذارند.

سطح کلان که میزان مدرنیزاسیون جامعه و سطوح مختلف توسعه اقتصادی اجتماعی را در بر می گیرد، سطح میانی، ساختار دولت، قوانین مختلف انتخاباتی و ساختارهای قانون اساسی را شامل می شود و سطح خرد در برگیرنده منابع اجتماعی و انگیزه های مختلف ارزشی و منابع است.

رویکرد نوسازی فرهنگی نیز چهار دعوی اصلی دارد؛ اول اینکه فرایند نوسازی اجتماعی با بالا رفتن سطوح سرمایه انسانی (سطح سواد، آموزش و مهارت های شناختی) همراه است دوم اینکه نوسازی اجتماعی پیامدهای عمیقی برای فرهنگ سیاسی دارد از جمله این پیامدها تقویت هویت های اجتماعی و وفاداری حزبی و تعداد شرکت کنندگان در انتخابات است.

سوم اینکه فرهنگ سیاسی توسط فرایند جامعه پذیری انتقال می یابد و شهروندان از طریق انگیزه های عاطفی و مادی برای مشارکت سیاسی هدایت می شوند (نورس، ۱۳۸۵: ۲۱۳)

چهارم اینکه مهندسی انتخابات توانایی و ظرفیت محدودی برای ایجاد تحولات کوتاه مدت در رفتار سیاسی دارد در حالیکه اصلاحات احتمالا تاثیر چشم گیر در بلند مدت خواهد داشت در واقع نورس الگویی را برای تبیین مشارکت سیاسی ارائه داد که تلفیقی از دو رویکرد جامعه شناختی (ساختاری) و روانشناختی (فردی) بود در سطح فرد نظریه منابع بر این مبنا است که هر قدر افراد از منابع بیشتری برخوردار باشند سطوح بالاتری از مشارکت را از خود به نمایش می گذارند. از مهم ترین این منابع درآمد، تحصیلات و مهارت های مشارکتی و ارتباطات است وجود منابع باعث تسهیل در روند مشارکت می شود. ولی وقتی که شهروندان انگیزه لازم را برای مشارکت نداشته

باشند. از مشارکت خودداری می‌کنند. عوامل انگیزشی دامنه گسترده‌ای دارند و از انگیزه‌های نگرشی و ارزشی تا انگیزه‌های مادی را شامل می‌شوند.

مهم‌ترین انگیزه‌های نگرشی، احساس وظیفه، اعتقادات مذهبی و ارزش‌های سیاسی افراد است در سطح میانی نیز برای تبیین مشارکت سیاسی شهروندان نورس معتقد است باید توجه زیادی به عوامل بسیج سیاسی و اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در بسیج و فعال‌سازی شهروندان داشت، که مهم‌ترین آن‌ها اتحادیه‌های صنفی و کارگری، احزاب سیاسی، مراکز مذهبی و رسانه‌های خبری است. در سطح کلان تاکید بر این است که ساختار دولت در یک جامعه نوع و سطح مشارکت شهروندان را معین می‌نماید. قانون اساسی، ساختارهای نظام حزبی، قوانین و نظام انتخاباتی همان ساختار دولت می‌باشد که در یک جامعه بر مشارکت اثر می‌گذارد (سید امامی و عبدالله، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۶) بنابراین نمی‌توان نقش ساختارهای دولت و قانون اساسی و منابع و انگیزه‌ها را در مشارکت سیاسی نادیده گرفت.

اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن که قانون اساسی تصویب گردید اولین اقدام مهم برای تحقق قانون اساسی و ایجاد نهادهای قانونی و رسمی کشور، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود. بنابراین در روز ۲۵ آذر ۱۳۵۸، از طرف وزارت کشور اعلام شد که ۵ بهمن ماه ۵۸ انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. رقابت‌های انتخاباتی که عملاً از چندی پیش شروع شده بود و کسانی مطرح شده بودند، به‌طور جدی‌تر آغاز شد. با توجه به اینکه قبلاً امام خمینی اعلام کرده بودند روحانیون حق کاندید شدن برای ریاست جمهوری را ندارند (روزنامه کیهان، ۹ دی ۱۳۵۸). از روحانیون کسی نامزد ریاست جمهوری نشد، به غیر از صادق خلخالی که در آن زمان شهرت داشت، اما وی به رغم اینکه اعلام کرده بود: «خدا شاهد است این مملکت نجات پیدا نمی‌کند الا به دست من» (کیهان، ۲۹ دی ماه ۱۳۵۸) و گفته بود: «ریاست جمهوری بنی‌صدر دوام نخواهد داشت چون یک صدم قاطعیت مرا ندارد» (کیهان، ۱۶ دی ماه ۱۳۵۸) نهایتاً به نفع بنی‌صدر کناره‌گیری کرد (کیهان، ۲۶ دی ماه ۱۳۵۸).

افراد دیگری هم برای ریاست جمهوری کاندید شدند که تعدادی از آن‌ها شناخته شده‌تر بودند همچون: صادق قطب‌زاده، احمد مدنی، کاظم سامی، جلال‌الدین فارسی، صادق طباطبایی و حسن حبیبی. با توجه به شرایط و جوانب آن روزها، بنی‌صدر بیشترین شانس را برای پیروزی داشت چرا که:

❖ از حمایت گسترده بهره‌مند بود.

❖ تعداد قابل توجهی از روشنفکران و ملیون متوسط شهری از او حمایت می‌کردند.

❖ به نظر می‌رسید مورد حمایت و تأیید امام و تعداد قابل توجهی از منسوبان ایشان است.

❖ تعداد زیادی از روحانیون بلند پایه در تهران و بعضی شهرستان‌ها از کاندیداتوری بنی‌صدر حمایت می‌کردند.

مدتی قبل از آغاز تبلیغات رسمی و قانونی، حاج شیخ علی تهرانی (یکی از روحانیون بانفوذ و معروف آن زمان) در مورد جلال‌الدین فارسی شبهه‌ای مطرح کرد که جدی تلقی شد و در نهایت موجب کناره‌گیری فارسی از دور رقابت گردید، و آن این بود که در قانون اساسی ذکر شده است که رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل باشد، در حالی که جلال‌الدین فارسی افغانی‌الاصل است. این امر موجب شد اصلی‌ترین رقیب بنی‌صدر حذف شود.

یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق و جنبش ملی مجاهدین بود که مورد تأیید نیز واقع شده بود، اما وجود و حضور او در عرصه انتخابات مناقشات زیادی را به وجود آورد. عده‌ای به کاندیداتوری وی اعتراض کرده و آن را نشانه انحراف قلمداد کردند (کیهان، ۲۹ دی ۱۳۵۸). سرانجام امام به دلیل تحریم همه‌پرسی قانون اساسی از سوی مجاهدین، نامزدی مسعود رجوی رهبر مجاهدین را برای انتخابات ریاست جمهوری ممنوع اعلام کردند (فروئزو، ۱۳۷۹: ۸۹).

نابسامانی‌های اوایل انقلاب

ایران در دوره محمدرضا شاه دچار بحران‌هایی شد که زمینه را برای پیروزی انقلاب اسلامی مهیا کرد. در جامعه شاهنشاهی وجدان عمومی بر ناتوانی و عجز آن رژیم و مختل شدن تعادلش در ارتباط با قدرت‌های خارجی شکل گرفت. در این میان هدف‌های انقلاب استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی و رشد بر محور عدالت اجتماعی بود (بنی‌صدر، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۶۷).

پس از ورود موفق امام به ایران و اقامت در مدرسه علوی مسأله انتخاب نخست‌وزیر و تشکیل دولت موقت که پیش از آن در پاریس مطرح بود در دستور کار قرار گرفت. سرانجام مهندس بازرگان در ۱۵ بهمن به نخست‌وزیری انتخاب و در ۱۶ بهمن در یک جلسه رسمی در مدرسه علوی معرفی شد.

زمانی که مهندس بازرگان برای شرکت در جشن استقلال الجزایر به آن کشور رفته بود با بیگنیوف برژنسکی مشاور امنیت ملی آمریکا ملاقات کرد اسلامیون انقلابی در اعتراض به این ملاقات سفارت

آمریکا را در تهران اشغال کردند. امام حمایت خود را از این اقدام اعلام کرد. این امر باعث استعفا دادن بازرگان شد در واقع اشغال سفارت تیر خلاص دولت موقت بود (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۲۴۲). پس از آن شرایط و ضوابط انجام اولین انتخابات ریاست جمهوری در ایران اعلام شد «آخرین مهلت برای ثبت نام کاندیداهای ریاست جمهوری ۸ دی ماه است، ۲۰ روز قبل از انتخابات فهرست نامزدهای ریاست جمهوری رسماً اعلام می‌شود و رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان در رأی‌گیری انتخاب می‌شود» (روزنامه اطلاعات، ۵۷۱۰/۱).

البته شایان ذکر است که در اوایل پیروزی انقلاب بنی صدر چهره‌ی شناخته شده‌ای نبود، او بعد از آن که مقالاتی در نشریات مخصوصاً روزنامه انقلاب اسلامی منتشر کرد و در دانشگاه‌های متعدد سخنرانی کرد و در مناظرات تلویزیونی شرکت کرد به چهره‌ای معروف در جامعه مبدل گشت. کریم سنجابی حمایت امام خمینی و به راه افتادن تبلیغات در مساله کاندیداتوری به نفع بنی‌صدر را علت اصلی پیروزی وی می‌داند «آیت‌الله خمینی هر چند ظاهراً هیچ یک از نامزدها را تقویت نمی‌کرد و خود را بی‌طرف نشان می‌داد، ولی همه می‌دانستند که علاقه و نظر او به جانب بنی‌صدر و شبکه وسیع مساجد و روحانیون برای وی به کار افتاده و با اکثریت عظیمی انتخاب شد (سنجابی، ۱۳۸۱: ۳۷۳). نابسامانی‌هایی که به خاطر وقوع انقلاب اسلامی ایران به وجود آمده بود موجب ظهور احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه شد. هریک از این احزاب و گروه‌ها تلاش می‌کردند نماینده خود را بر سر قدرت آورند. بر مبنای نظریه نورپس وجود این گروه‌های سیاسی در جامعه را می‌توان در سطح میانی و از عوامل بسیج در فعال سازی شهروندان برای مشارکت سیاسی در نظر گرفت یکی از مهم ترین اتفاقات آن دوره اشغال سفارت آمریکا بود که موجب موضع گیری ایرانیان در مقابل آمریکا شد و در واقع این امر عاملی برای اتحاد ایرانیان برای مشارکت سیاسی و روی کار آوردن دولتی مقتدر بود.

دیدگاه‌های بنی‌صدر در مورد مسائل گوناگون

بنی‌صدر معتقد به مبانی اسلام، استقلال، آزادی، و رشد در جامعه و فردی مسلمان، ملی و اسلام شناس بود. او در این باره می‌گوید: «من خودم را در خط انقلاب می‌دانم که اصول چهار گانه‌ای است: یعنی آزادی، استقلال، رشد و اسلام که به مثابه بیان آزادی و ترجمه آن اصول راهنمای آن است. هیچ تقدیمی برای اصلی بر اصل دیگر قایل نیستم». (بنی‌صدر، ۱۳۸۰: ۱۴۴). در زمینه اداره کشور برنامه‌هایی برای آینده داشت: «تصمیماتی که در مورد آینده ایران باید بگیریم، گرفته‌ایم و آن ایجاد

یک جامعه مستقل است، بدون اینکه تحت تأثیر هیچ یک از قدرت‌های خارجی قرار گیرد. در حال حاضر ما نفت می‌دهیم و کالا می‌خریم و مصرف می‌کنیم. صنایع ما، کشاورزی ما، سازمان‌های اداری و ارتش ما و در مجموع همه فعالیت‌های ما وابسته است. برنامه اصلی ما این است که وابستگی‌ها را از بین ببریم و اساس یک اقتصاد مستقل را پایه‌ریزی کنیم. همچنین فعالیت‌های تخریبی در زمینه اقتصاد و سیاست حذف شود به‌طوری که منابع موجود برای تأمین نیازهای اساسی کشور کفایت کند» (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۸۵).

در زمینه تجارت خارجی بنی صدر قبل از انتخابات گوشزد می‌کند در صورت پیروزی در انتخابات جلوی غارت گری نورچشمی‌ها و رانت خواران را در تجارت خارجی خواهد گرفت: «بازرگانی خارجی طبق قانون اساسی، ملی است. بنای ما آن نیست که بازرگانی خارجی را دست همان بیر و بخورها باقی بگذاریم... بازرگانی خارجی باید در کنترل کامل دولت باشد تا بتواند پول‌ها را به سمت تولید ببرد (بنی صدر، ۱۳۸۰: ۹۲).

بنی صدر به عنوان فردی اقتصاددان برای اقتصاد اسلامی مدعی نظریه پردازی بود و با نوشتن کتاب اقتصاد اسلامی ادعا می‌کرد می‌تواند راه سومی علاوه بر سوسیالیسم و سرمایه داری، پیش روی اقتصاد بگذارد. همچنین بنی صدر به دولتی کردن امور خیلی علاقه مند بود، او منتقد اقتصاد بازار آزاد و در مقابل مدافع اقتصاد دولت گرا بود (بنی صدر، ۱۳۵۸: ۱۱۰). «بهترین شکل روابط این است که فرد آنچه را به دست می‌آورد در اختیار جمع بگذارد و از جمع به اندازه‌ی نیاز خویش بستاند. درست است که ما هنوز به این مرحله نرسیده ایم، اما این کار بسیار عملی است» (بنی صدر، ۱۳۵۷: ۳۳۱).

طرح ملی کردن بانک‌ها از جمله موضوعاتی بود که موجب افزایش آرای بنی صدر در انتخابات شد، او با بهره برداری تبلیغاتی از این طرح توانست مورد توجه قرار گیرد. وی این طرح را در زمان عضویت در شورای انقلاب مطرح کرد و به دلیل وضعیت نامناسب بانک‌ها در آن زمان از این طرح استقبال شد. با اجرایی شدن این طرح، تمام قرض‌ها و وام‌هایی که مردم از بانک‌ها گرفته بودند و امکان باز پرداخت آن را نداشتند ملی شد (معین فر، مصاحبه «دولتی شدن بانک‌ها»، ۱۳۹۲: ۴۸). هم چنین زمانی که وی عهده دار وزارت اقتصاد و دارایی بود، شرایط را برای اعطای وام ۹ درصدی به اقشار متوسط و پایین جامعه برای خرید مسکن مهیا کرد. اعطای این وام موجب افزایش محبوبیت او در میان مردم گشت و زمینه لازم برای احراز مقام ریاست جمهوری را مهیا ساخت (مظفر، مصاحبه، «سرنوشت اولین رئیس جمهور»، ۱۳۹۶/۴/۱۷).

در مورد مواضع سیاسی بنی صدر رقیبان و منتقدان او جهت گیری های سیاسی وی را از آغاز ورود به مبارزات و فعالیت های سیاسی، استفاده از فرصت تعامل با روحانیت و حضور در کنار امام برای بدست آوردن قدرت دانسته اند. در واقع منتقدان سیاسی بنی صدر معتقدند که مواضع وی اغلب بدلیل فرصت طلبی برای کسب قدرت و نه از روی ایمان و اعتقاد بوده است. مرور وقایع گذشته حاکی از آن است که وی سال ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همان مواضعی را مطرح کرده است که در زمان پیروزی انقلاب و حتی بعد از ریاست جمهوری داشته است و تناقضی بین آن ها وجود نداشته است، این در حالی است که منتقدان مواضع وی را فاقد ثبات و در تناقض با یکدیگر برای بدست آوردن قدرت ارزیابی کرده اند (شادلو، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

در مورد کسانی که به سفارت آمریکا حمله کرده بودند بنی صدر اینگونه نظر داد: «ما هرگز علیه این میهن پرستان جوان که صداقت و احساسات انقلابی شان تردیدناپذیر است، به اعمال خشونت متوسل نخواهیم شد. در صورت اختلاف نظر من برای متقاعد کردن آن ها به قبول نظر من به سفارت آمریکا خواهم رفت.» در اوایل انقلاب اسلامی تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری در کشور موجب رکود و کندی برنامه ها و کارها می شد، بنی صدر در این زمینه معتقد بود «علت پیدایش مراکز متعدد قدرت، ضعف رهبری اجرایی بود. آرائی که مردم ما در ۵ بهمن دادند اتخاذ اراده ای قوی و قاطع است که ایران، فقط یک دولت می تواند داشته باشد و آن دولتی است که بر طبق قانون اساسی عهده دار امور کشور می شود.» (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۹۷).

برنامه های اقتصادی که مورد نظر بنی صدر بود برای اقشار متوسط و پایین جامعه بسیار جذاب و امیدوار کننده بود و موجب شد که محبوبیت او در میان اقشار مختلف افزایش یابد.

آزادی

در مورد مسأله آزادی با توجه به جو اختناق که توسط بعضی از احزاب و گروه ها بعد از انقلاب ایجاد شده بود و افراد نمی توانستند آزادانه نظرات خویش را ابراز کنند و به گروه ها و مجامع حمله می شد نظر بنی صدر بر این بود: «اگر این گروه ها و همه گروه های جامعه، اصل بحث آزاد را بشناسند، می توانند نظرات خود را اظهار کنند و همین بحث آزاد رابط میان گروه ها خواهد شد و شرط آن این است این گروه ها بدانند که ایران امروز، ایران رژیم شاه نیست که با قوه قهریه بتوان یک اراده را بر مردم تحمیل کرد. باید یک محیط تفاهم ایجاد شود و در این محیط اظهار نظر کاملاً آزاد باشد و من این آزادی ها را تعقیب خواهم کرد.

در ماه های نخستین پیروزی انقلاب بنی صدر خواستار ایجاد فضای گفت و گویی بین حاکمان و مردم و ایجاد شوراهای در کشور بود. این ایده اگرچه مطلوب بود اما از همان آغاز دو مانع اساسی پیش رو داشت، نخست اوضاع ملتهب سیاسی اوایل انقلاب و دوم مخالفان پر قدرت تشکیل شوراهای وی معتقد بود چنانچه حضور مردم در صحنه را تضمین و دایمی کنیم نیازمند دو ابزار مهم هستیم یکی «آگاهی» است که از طریق بحث آزاد امکان پذیر است و دیگری «شورا» که عمل به آگاهی است (جمهوری اسلامی، ۵۹/۵/۲۲).

ایجاد فضایی که گرایش های مختلف در جامعه بتوانند آزادانه اظهار نظر کنند و در امر قدرت شریک باشند به نوعی توسعه سیاسی محسوب می شد و از دیگر عواملی بود که موجب شد بنی صدر مورد توجه قرار گیرد.

مشکلات سیاسی

بنی صدر هشت معضل را در زمینه امور سیاسی در ایران به این ترتیب ذکر می کند:

- ۱- پرداختن روحانیون به فعالیت هایی که با وظایف اصلی آنها مغایرت دارد.
- ۲- کارشکنی دستگاه های اداری و نظامی باقی مانده از دوران طاغوت
- ۳- تحریک شیعه و سنی علیه یکدیگر و ایجاد اختلال توسط عاملان رژیم سابق
- ۴- نبود یک سازمان سیاسی واحد برای پیشبرد اهداف انقلاب
- ۵- وجود گروه های غیر اسلامی در کشور
- ۶- معضل دولت آقای رجایی
- ۷- عدم هماهنگی رادیو و تلویزیون با اهداف انقلاب
- ۸- عدم هماهنگی مراجع با یکدیگر در ابواب مختلف (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۲۲۱).

ارتباط با آمریکا و سایر کشورها

در زمینه اثرات محاصره اقتصادی آمریکا بر ایران، بنی صدر معتقد بود «اگر سایر کشورها به محاصره اقتصادی آمریکا علیه ایران بپیوندند، اثرات آن بر اقتصاد ایران زیانبار است هر چند که محاصره اقتصادی برای ملت ما از لحاظ دراز مدت فرصت مغتنمی است که به تولید بپردازیم».

در زمینه حضور آمریکادر خلیج فارس بنی صدر گفت «متأسفانه سال هاست این نظر پیدا شده که برای زندگی کردن باید به قدرتی تکیه داشت و لذا بعضی ها می گویند که روسیه خطر اصلی است و باید به آمریکا تکیه کرد و برخی نظر عکس این را دارند، ولی من معتقدم که هردو خطر اصلی

هستند و ما باید به خودمان متکی باشیم».

رژیم سابق ایران نمونه کامل یک رژیم دست نشانده و محصول مستقیم و مستمر ایالات متحده آمریکا بود ... هیأت حاکمه آمریکا کمر به خصومت و مخالفت با انقلاب ما بسته است، خصومت و مخالفتی که متوسل شدن به هرگونه ابزاری را مجاز می‌داند و ما همه روزه به خیانت‌های آن مبتلا هستیم (انقلاب اسلامی، ۵۹/۱/۱۴).

بنی صدر هدف کشورهای ابرقدرت جهان یعنی آمریکا، شوروی و انگلیس را در زمان حکومت پهلوی تاراج ثروت و منابع کشور مخصوصاً نفت و تحکیم جایگاه استراتژیک ایران در منطقه می‌دانست. وی رهایی کشور از بحران‌های اقتصادی و سیاسی را در مبارزه‌ی مردم با استعمارگران و در راس آنها آمریکا می‌دانست (انقلاب اسلامی، ۵۹/۱/۱۴: ۱).

جهت‌گیری ضد آمریکایی و ضد ابرقدرت‌ها در ماه‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی در امتداد نظرات امام و خواسته‌های مردم بود و این امر در نظر مردم مقبول افتاد.

جهت‌گیری وی در ارتباط با کشورهای همسایه اینگونه بود: «سیاست ما در این مورد با سیاست داخلی ما ارتباط دارد. ما ملت‌های مسلمان می‌توانیم یک جامعه بزرگ اسلامی با اشتراکات فرهنگی و اقتصادی گسترده به وجود آوریم، زیرا واحدهای کوچک نمی‌توانند در برابر قدرت‌های بزرگ ایستادگی کنند. بنابراین اگر کشورهای اسلامی رژیم‌هایی داشته باشند که بتوانند با هم در چهارچوب یک جامعه‌ی بزرگ اسلامی زندگی مشترکی داشته باشند، مناسبات ما بر اساس تعاون و همکاری است» (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۸۶).

اعتقاد به اتحاد و همبستگی بین کشورهای اسلامی همسایه برای ایستادگی در مقابل ابرقدرت‌ها نیز می‌توانست جایگاه ایران را هم در منطقه و هم در سطح جهانی ارتقا بخشد و این امر برای ایرانیان مطلوب بود.

رسانه‌های جمعی

بنی صدر در زمینه فعالیت روزنامه‌ها معتقد بود: «مهم‌ترین کار روزنامه‌ها این است که اطلاعات صحیح را در اختیار مردم بگذارند. بنابراین، باید انواع سانسورها در روزنامه‌ها از بین برود و آن‌ها می‌توانند فقط حقیقت را بنویسند ... روحیه سانسور در روزنامه‌های ما باید از بین برود.» در مورد خبرنگاران خارجی بنی صدر معتقد بود که آن‌ها باید آزادی رفت و آمد به ایران را داشته باشند ولو دروغ بنویسند، بهتر است از هیچ چیز نوشتن یا از دور نوشتن.

در زمینه رادیو و تلویزیون اعتقاد داشت «رادیو و تلویزیون در گذشته، نه تنها خوب عمل نکردند بلکه بد بودند. رادیو و تلویزیون باید آئینه‌ای در برابر جامعه باشند و منعکس کننده همه رویدادها و اخبار.» (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۹۷).

دادن آزادی بیان به رسانه های جمعی به ویژه روزنامه ها هم در راستای توسعه سیاسی و بالابردن سطح آگاهی های عمومی بود که موجب شد بنی صدر مورد توجه قرار گیرد.

صدور انقلاب

بنی صدر بر خلاف تعداد زیادی از نیروهای ملی و طیف نهضت آزادی با نظریه صدور انقلاب و حمایت از نهضت های آزادی بخش موافق بود و آن را در امتداد دفاع پیشگیرانه و حفظ امنیت داخلی ایران و دفاع از محرومین و مستضعفان عالم می داند: «اگر ما نخواهیم که فاسد بشویم و حکومت ما اگر نخواهد که فاسد شود، رئیس جمهور شما اگر نخواهد فاسد بشود، نایستی سیاست باز شود. باید با همان اخلاص و ایمان انقلابی به نهضت ها و حرکت های انقلابی جهان بنگرد، و هر نهضت انقلابی را در جهان از خود بداند و ملت خود را در جهت کمک به نهضت های جهانی در حال بسیج مداوم نگه دارد. اگر ما به این نهضت ها کمک نکنیم نخواهیم توانست از سلطه ابرقدرت ها برای همیشه خلاص شویم» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۵۷/۱۱/۲۸).

در مورد تحقق واقعیت انقلاب معتقد بود «انقلاب وقتی واقعیت پیدا می کند که واقعیت اجتماعی انقلاب، واقعیت ذهنی شما بشود و در جامعه توحیدی انسان جدید، شکوفایی، رشد و آزادی به دست بیاورد. آزادی با مبارزه در سه جبهه به دست می آید: نخست در جبهه خود، اندیشه و عمل خویش که در عرصه جهاد اکبر است، سپس در عرصه اجتماع که جهاد افضل است و در آخر جهاد در قلمرو رشد و تعالی بشری، یعنی ارزیابی و انتقاد از آنچه انجام گرفته و راهگشایی برای آنچه باید انجام بگیرد» (انقلاب اسلامی، ۶۰/۲/۱۵).

صدور انقلاب در راستای فرمایشات امام و حمایت از نهضت های آزاد بخش و الگو بودن برای ایشان در سطح منطقه موجب افزایش اعتماد به نفس عمومی و تحکیم پایه های انقلاب بود.

مشارکت سیاسی

بنی صدر معتقد بود: «اگر مردم را در امور خودشان مشارکت ندهیم گروه ها به جنگ قدرت می پردازند و هرج و مرج می شود آن طور که در ۲۸ مرداد انجام شد. برای جلوگیری از این امر لازم است که مردم در امور خودشان شرکت داده شوند» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۹/۵/۲۲).

بنی صدر در زمینه مسائل گوناگون نظرات خود را ارائه داده است که این دیدگاه‌ها نقش مهمی در گرایش مردم به انتخاب وی داشتند. علاوه بر موارد ذکر شده به عوامل دیگری هم در متمایل شدن مردم به بنی صدر اشاره شده است:

آیت‌الله مهدوی کنی به‌طور صریح به حمایت بیت امام از جمله فرزند و دامادش از بنی صدر اشاره می‌کند: «حتی امام هم در ابتدا ایشان را تأیید می‌کرد. حتی در بیت امام، مرحوم حاج احمدآقا و مرحوم آقای اشراقی ایشان را تأیید می‌کردند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

صادق طباطبایی از اعضای بیت امام، یکی از علل مهم پیروزی بنی صدر را نامه آیت‌الله پسندیده در مورد وی می‌داند: «در چنین شرایطی (انتخابات) بنی صدر اقدام به تهیه نامه‌ای از آیت‌الله پسندیده برادر امام کرد که در آن از او تعریف و تمجید شده بود. این نامه فضای تبلیغاتی را تغییر داد و اوضاع به نفع بنی صدر شد» (همشهری، ۸۱/۶/۲۵). روزنامه انقلاب اسلامی، اقتصاد را اولویت اصلی جامعه دانسته و رأی مردم به بنی صدر را رأی به تغییرات بنیادین اقتصادی و برطرف ساختن آثار فقر و فلاکت از جامعه می‌داند (روزنامه انقلاب اسلامی، ۵۷/۱۱/۹).

انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری در پنجم بهمن ماه ۱۳۵۸ برگزار شد که ابوالحسن بنی صدر با نزدیک به یازده میلیون رأی به عنوان ریاست جمهوری انتخاب شد، در این دوره تعداد رأی دهندگان تقریباً چهارده میلیون نفر بودند و میزان مشارکت در این دوره ۶۷/۴ درصد بود.

به علت بیماری امام مراسم تنفیذ در بیمارستان قلب تهران و در حضور تعداد محدودی از خبرنگاران داخلی و خارجی و شرکت کنندگان انجام شد. امام هم به ایشان توصیه کرد؛ «من از آقای بنی صدر می‌خواهم که مابین قبل از ریاست جمهوری و بعد از آن در احوال ایشان تفاوتی نباشد» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۵۷/۱۱/۱۶).

اختلاف بنی صدر با رجایی

یکی از مشکلاتی که بین بنی صدر و مجلس در مورد انتخاب نخست وزیر ایجاد شد ظهور اختلافات عقیدتی و اندیشه‌ای بود. بنی صدر و اکثریت نمایندگان مجلس هرکدام خصوصیات ویژه‌ای را برای انتخاب نخست وزیر مورد نظر خود در نظر گرفته بودند. نمایندگان دو قوه‌ی مقننه و مجریه در پی انتخاب شخصی هم فکر از یاران خویش به عنوان نخست وزیر بودند تا بتوانند بعد از پیروزی بر رقیب با ایجاد دولتی هماهنگ به اهداف خویش در حاکمیت دست یابند. این که بنی صدر از همان آغاز با نخست‌وزیری محمدعلی رجایی موافق نبود مسأله روشنی بود که خود وی نیز آن را انکار نمی‌کرد، اما بعد از نخست‌وزیری نه تنها این اختلاف به رویه تعامل و همکاری برای حل

مشکلات تبدیل نشد، بلکه تضادها هر روز بیشتر و بیشتر شد. رجایی بلافاصله بعد از گرفتن رای اعتماد از مجلس، به علت اختلاف فکری که با بنی صدر داشت بدون مشورت با وی و با مشورت نیروها و نهادهای انقلابی به انتخاب اعضای کابینه ای هماهنگ با ویژگی های انقلابی، مکتبی و مقلد امام بودن پرداخت (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۳: ۱۴). انتخاب چنین کابینه ای بیانگر اتحاد اکثریت نمایندگان مجلس با نخست وزیر و عدم توجه به خواسته های بنی صدر بود.

حذف رئیس جمهور

بنی صدر که به طور مستقل وارد رقابت سیاسی گشت و با توجه به سوابق و جایگاه شخصی در انتخابات پیروز شد در مقطعی تجمع قدرت در او و اختیارات گسترده اجرایی و نظارتی، منتقدین او را بیمناک ساخت. در واقع ابهامات موجود در قانون اساسی و نامشخص بودن حیطه اختیارات رئیس جمهور وی را به مقاومت در برابر نخست وزیر، مجلس شورا، شورای عالی قضایی و شورای نگهبان کشاند. اختلاف در تفسیر قانون اساسی مخصوصاً در بندهایی که به تقسیم قدرت مربوط می شد بر اختلافات می افزود (شادلو، ۱۳۹۶: ۲۲۴).

بنی صدر در ۱۴ اسفند به مناسبت سال روز در گذشت دکتر مصدق در دانشگاه تهران سخنرانی کرد. در طی این سخنرانی جریان های مخالف و طرفدار بنی صدر با دادن شعارهایی علیه یکدیگر با هم درگیر شدند که در آن بین تعدادی مجروح شدند (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۶: ۱) پس از این سخنرانی، نمایندگان مجلس و بعضی از شخصیت های سیاسی نظام خواهان روشن شدن ماجرا و حتی استیضاح بنی صدر شدند (صورت مشروح مذاکرات جلسه ی علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۷: ۲۳).

یکی دیگر از مواردی که به طور هم زمان تلاش های قبلی برای طرح لایحه عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور را تسریع کرده طرح مسأله رفراندوم توسط وی بود. آخرین تلاش امام برای مجاب ساختن بنی صدر به همکاری با سایر نیروهای انقلابی تشکیل هیئت حل اختلاف بود. بنی صدر دو روز قبل از صدور فرمان عزلش از فرماندهی کل قوا، هنگامی که در مناطق جنگی کرمانشاه حضور داشت، تندترین نامه خویش را خطاب به امام نوشت. به نظر می رسد این پیام تند سبب خروج امام از تردید و تصمیم قطعی برای کنار گذاشتن بنی صدر از فرماندهی کل قوا شده باشد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۰/۳/۲۱).

عامل دیگر که موجب انتقاد از بنی صدر شد عدم توانایی وی در اداره امور مربوط به جنگ تحمیلی بود که در این زمینه امام به فرماندهی جنگ از طریق شورای جنگ رضایت داد و شورای عالی دفاع تشکیل شد. امام در اوایل دی ماه ۱۳۵۹ مسئولین نظامی کشور را به تهران فراخوانده و به آنها نسبت

به بی‌تحریکی و رکود در جنگ هشدار داد. آنچه بر پیچیدگی‌های جنگ می‌افزود عدم اعتماد کافی جریان اصلی انقلاب به رئیس‌جمهور منتخب بود (شادلو، ۱۳۹۶: ۴۴۸-۳۸۲، جلد سوم).

در آسیب‌شناسی دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر اشتباهات محاسباتی وی در تحلیل اوضاع سیاسی سال ۱۳۶۰ که منجر به عزل او شد دو نکته زیر اهمیت بیشتری دارد:

۱- تأکید بیش از حد بنی‌صدر بر محبوبیت در میان توده‌ها و به حساب نیاموردن خستگی، دزدگی و بالاخره رویگردانی مردم از اشتغالات سیاسی.

۲- کم‌اهمیت دانستن محبوبیت امام نزد مردم و عدم پیش‌بینی این که اختلاف بنی‌صدر با رهبری به‌طور قطع به افول محبوبیت بنی‌صدر خواهد انجامید (شادلو، ۱۳۹۶: ۴۸۲، جلد سوم).

در اواسط آذر ماه ۱۳۵۹ تلویزیون دولتی ایران برنامه‌ای را پخش کرد که در آن برخی اصول قانون اساسی از جمله اصل مربوط به طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور مطرح شده بود.

اولین زمزمه عزل بنی‌صدر توسط سید محمد خامنه‌ای نماینده مشهد مطرح شد اما پیگیری جدی موضوع عزل از ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ کلید زده شد.

برنامه‌های مختلف اقتصادی که بنی‌صدر برای دوران ریاست جمهوری خویش مطرح کرد از جمله ؛ طرح ملی کردن بانک‌ها، عدالت سیاسی اقتصادی، افزایش رفاه عمومی، اعطای وام به اقشار متوسط و پایین و مقابله با سرمایه‌داری را می‌توان در سطح خرد نظریه‌نویسی و در زمره نظریه منابع و انگیزش یاد کرد. به دلیل شکاف طبقاتی که در حکومت پهلوی دوم به وجود آمده بود و قشر عظیمی از جامعه دچار فقر بودند بیان این دیدگاه‌ها در اوایل نظام انقلابی برای اقشار محروم جامعه امید بخش بود. از دیدگاه نوریس افرادی که با مشارکت سیاسی می‌توانند از منابع بیشتری برخوردار شوند انگیزه بیشتری برای مشارکت در انتخابات دارند. بنابراین امید به داشتن رفاه و زندگی بهتر در آینده را می‌توان از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی در دولت اول دانست. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱

عوامل موثر مورد بررسی در مشارکت سیاسی دوره اول انتخابات ریاست جمهوری مطابق نظریه نوریس

دولت اول	مؤلفه‌های تأثیرگذار	
	نابسامانی‌های اوایل انقلاب	سطوح مورد نظر نوریس
	سخنرانیها، انتشار مقالات، شرکت در مناظرات، حمایت امام و	قابل تبیین در سطح میانی (عوامل بسیج)

	نزدیکان ایشان از بنی صدر، حمایت شبکه وسیع مساجد و احزاب و گروههای سیاسی از بنی صدر	دولت اول
قابل تبیین در سطح خرد (انگیزه منابع و قرار گرفتن در شرایطی بهتر از وضع موجود)	دیدگاه های بنی صدر سیاسی-اعتقاد به استقلال و آزادی و رشد کشور، ایستادگی در برابر محاصره اقتصادی آمریکا، اعتقاد به همبستگی بین کشور های همسایه، صدور انقلاب و حمایت از نهضت های آزادی بخش، تجمع مراکز قدرت و تصمیم گیری اقتصادی-ایجاد استقلال اقتصادی، کنترل تجارت خارجی، طرح ملی کردن بانک ها، اعطای وام ۹ درصدی به اقشار ضعیف، اجتماعی-حمایت از آزادی بیان گروه های مختلف، ایستادگی در برابر تحریم ها فرهنگی-حمایت از آزادی بیان، باز کردن عرصه فعالیت برای روز نامه نگاران داخلی و خارجی، حذف سانسور، اعتقاد به افزایش مشارکت مردم در سرنوشت خویش	
در سطوح مورد نظر نوریس قرار ندارد	رقبای اصلی بنی صدر جلال الدین فارسی-حذف بدلیل ایرانی الاصل نبودن مسعود رجوی-حذف به دلیل تحریم همه پرسی قانون اساسی از سوی مجاهدین	

دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات دومین دوره ریاست جمهوری در ۲ مرداد ۱۳۶۰ خورشیدی برگزار شد و محمدعلی رجایی با قریب به ۱۳ میلیون رأی به عنوان رئیس‌جمهور منتخب مردم برگزیده شد. تعداد نامزدها در این دوره ۷۱ نفر و رقبیان نهایی ۴ نفر بودند. تعداد واجدان شرایط تقریباً ۲۳ میلیون نفر و تعداد رأی دهندگان نزدیک ۱۴ میلیون نفر بودند که میزان مشارکت در این دوره ۶۴/۲ درصد بود.

رجایی قبل از ریاست جمهوری

رجایی در دولت مهندس بازرگان مدتی به عنوان سرپرست موقت وزارت آموزش و پرورش و سپس کفیل آموزش و پرورش بود و پس از استعفای بازرگان با سمت وزیر در رأس آموزش و پرورش قرار گرفت (راعی، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۶). وی پس از یک سال وزارت آموزش و پرورش به عنوان کاندیدای انتخابات اولین دوره مجلس از شهر تهران در کنار افراد سرشناس همچون آیت‌الله خامنه‌ای، رفسنجانی، باهنر و حجازی قرار گرفت و در مرحله اول به عنوان نفر دوازدهم از حوزه انتخابیه تهران برگزیده شد. پس از انتخاب رفسنجانی به ریاست مجلس شورای اسلامی در ۲۹ تیر ۵۹ و سوگند بنی‌صدر در ۳۱ تیر ۵۹ مسأله انتخاب و معرفی نخست‌وزیر مطرح شد که در نهایت رجایی به عنوان نخست‌وزیر واجد شرایط اعلام شد و بنی‌صدر علیرغم میل باطنی این امر را پذیرفت. رجایی در انتخاب وزیران بر مکتبی بودن، انقلابی بودن و مقلد امام خمینی بودن تأکید داشت (دفتر تحقیقات و انتشارات در روابط عمومی نخست‌وزیری، ۱۳۶۰: ۱۱۵-۱۱۴).

دیدگاه‌های رجایی در زمینه مسائل مختلف

سیاست خارجی

رجایی در زمینه سیاست خارجی به اصولی معتقد بود از جمله:

- اتکاء به اصل «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»
- تلقی آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین دشمن انقلاب اسلامی
- مبارزه با قدرت‌های استکباری شرق و غرب و صهیونیسم
- اولویت در روابط ایران با کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین
- مبارزه برای آزادی قدس
- حمایت از مستضعفین جهان و نهضت‌های آزادی‌بخش
- ایجاد دگرگونی انقلابی و استقرار نظم نوین اسلامی و نه اصلاح نظم موجود (رجانیوز، ۱۳۹۵: کد

خبر ۲۵۳۴۰۹).

رجایی می‌گفت: «نفع جمهوری اسلامی در این است که انقلاب اسلامی، اسلامش را به دنیا صادر کند، اگر چه از لحاظ مادی لازم باشد در این حرکت او نه تنها چیزی نگیرد، بلکه سرمایه‌گذاری هم بکند» (مصاحبه با مجله پیام انقلاب، شماره ۲۵، ۱۳۵۹/۱۱/۱۱).

از نظر رجایی تفاوتی ندارد که چه کسی رئیس‌جمهور آمریکا باشد چون در صورت جنگ با آمریکا با هر کسی که رئیس‌جمهور آمریکا باشد خواهیم جنگید. همچنین اروپایی‌ها هم جدا از بلوک غرب نیستند زیرا که در جریان محاصره اقتصادی ایران توسط آمریکا، آلمان غربی هم پا به پای آمریکا پیش آمد (مصاحبه مطبوعاتی، ۱۳۵۹/۷/۳۰، روزنامه اطلاعات).

رجایی در ضمن مخالفت با بلوک غرب با سیاست‌های امپریالیستی بلوک شرق نیز مخالف بود در خصوص ارتباط با روسیه می‌گفت: «از نظر ما روسیه هم امپریالیست است و تا آنجا که با این کشور روابط خواهیم داشت که به استقلال ما لطمه وارد نشود» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۲). در جلسه سازمان ملل رجایی احساس می‌کند که حاضرین با فضای ایران در دوره شاه آشنا نیستند، بنابراین برای مطلع ساختن بیگانگان با فضای زندان‌ها و برخورد رژیم پهلوی با معترضان، پای خود را برهنه کرده و به جهانیان نشان داد (نمازی، ۱۳۹۹: ۴).

ولایت فقیه

وی در طول حیات سیاسی، در قبال حوادث مختلف موضع‌گیری‌های گوناگونی داشت که ولایت فقیه، اعتقاد به صدور انقلاب و تأکید بر سیاست نه شرقی نه غربی، اصول بنیادینی هستند که نظم دهنده دیگر عناصر و مؤلفه‌های ذهنی او بود «ولایت فقیه را به عنوان عالی‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در قانون اساسی خود گنجانده‌ایم» (مجله سروش، ۱۳۵۹/۱۰/۲۰).

ساده زیستی

رجایی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ثابت کرد اگر یک مسئول بخواهد مردمی باشد و الگویی برای دیگران باشد باید همه اعمال و رفتارش شبیه اکثریت مردم جامعه‌اش باشد. ساده زیستی ایشان به حدی بود که بعضی وقت‌ها در دیدارهای مردمی همراهان او را به جای وی اشتباهی می‌گرفتند (عسگری راد، ۱۳۷۸: ۳۵-۴۰).

رجایی مردم گرا بود و به عبارت دیگر در پی تشکیل دولت رفاه بر مبنای اصول اسلامی بود (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹/۶/۵).

رجایی معتقد بود: «این‌گونه تبلیغات که برای کاندیدها می‌شود، تبلیغات ناشی از سرمایه‌داری است» و آرزو داشت روزی فرا رسد که تبلیغات انتخاباتی مردمی شود. وی در تنها برنامه تلویزیونی که در مدت مجاز تبلیغات نامزدهای ریاست جمهوری پخش می‌شد شرکت کرد و دیدگاه‌ها و باورها و اعتقادات خویش را بیان نمود «من به عنوان رئیس‌جمهور امیدم این است که نظام اسلامی در این جامعه پیاده شود، قانون اساسی و اجرای اصل ۴۴، جامعه را از این نابرابری و ناهمگونی و اختلافات کشنده بیرون خواهد آورد» (پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۶۲: ۸۰۴).

قانون و عدالت

یکی از اقدامات مهم رجایی برای تحقق عدالت کمک به روستائیان بود که بعدها به طرح شهید رجایی معروف شد. این طرح در راستای رسیدن به عدالت اقتصادی سودمند بود. در زمینه اخذ مالیات توصیه می‌کرد که وصول مالیات‌ها طوری نباشد که به اقشار کم درآمد فشار آید. در مقطع (زمان جنگ) طرح جیره‌بندی کالا که مایحتاج مردم را تأمین می‌کرد بسیار مؤثر بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر ۶۱۸۰).

رجایی یک دولت‌مرد قانون‌گرا بود به اجرای اصول قانون اساسی اصرار داشت و تبلیغاتش در زمان انتخابات ریاست جمهوری حول همین شعار بود. اصرار بر اجرای قانون اساسی و تأکید بر نقش شورای نگهبان یکی از موارد اختلاف وی با بنی‌صدر بود (اکرمی، ۱۳۷۸: ۸۵).

اقدامات دولت رجایی

آغاز به کار دولت رجایی مقارن با شروع جنگ تحمیلی و وجود مسایل مهمی از جمله تداوم بحران اشغال سفارت آمریکا در تهران، گروگان‌گیری و فشارهای همه‌جانبه آمریکا بر ضد ایران بود. از نخستین تلاش‌های دولت رجایی در عرصه اقتصاد تشکیل ستاد بسیج اقتصادی کشور، سهمیه‌بندی کالاهای اساسی مورد نیاز مردم و چاپ و توزیع کوپن در بین مردم بود (کیهان، ۵۹/۱۱/۱۶). از دیگر اقدامات مهم رجایی اسکان آوارگان جنگ بود که در این راستا از استانداران خواست که امکانات خود را برای اسکان آوارگان جنگ بسیج نمایند (هیأت تحریریه واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۲: ۳۳۳). در دوران رجایی، مبارزه مسلحانه حزب دموکرات کردستان، حزب کومله و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و گروه فرقان وجود داشت که وی سعی در سازماندهی و حل این مشکلات داشت (مجله سروش، ۱۳۶۰: ۵۷).

محمد علی رجایی در ۸ شهریور ۱۳۶۰ در انفجار دفتر نخست‌وزیری به شهادت رسید. با این اتفاق

عمر دولت دوم که به دولت مستعجل مشهور شد به پایان رسید.

رجایی به دلیل سابقه انقلابی اش و صلاحیت هایی که داشت بیشتر مورد توجه قرار گرفت. قانون گرایی و عدالت محوری و ایستادگی در مقابل قدرت های شرق و غرب و اتکا به خود از مواردی بودند که رجایی بیشتر بر آنها تأکید داشت. این امور را می توان در سطوح خرد و میانی نظریه نوریس قرار داد که افراد به خاطر برخورداری از منابع و برقراری عدالت و همچنین به خاطر تغییر ساختار دولت و ایجاد قوانین جدید در سطح بین المللی و کسب استقلال در مقابل شرق و غرب تمایل به مشارکت سیاسی داشته اند. (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲

عوامل موثر مورد بررسی در مشارکت سیاسی دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری مطابق نظریه نوریس

مولفه های تأثیر گذار	سطوح مورد نظر نوریس
دولت دوم	سابقه اجرایی در سمت های مختلف در قبل و بعد از انقلاب سرپرست وزارت آموزش و پرورش نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی
	دیدگاه های رجایی اعتقاد به استقلال در برابر شرق و غرب آمریکا بزرگ ترین دشمن انقلاب است مبارزه با ابر قدرت ها و صهیونیسم اولویت در روابط با کشورهای آسیایی و افریقایی مبارزه برای آزادی قدس حمایت از نهضت های آزادی بخش

	اعتقاد به استقرار نظم نوین اسلامی در بین الملل	
قابل تبیین در سطح خرد (انگیزه ارزشی)	خصوصیات فردی ساده زیستی و مردمی بودن قانون مداری عدالت گرایی	
قابل تبیین در سطح خرد (انگیزه منابع)	اقدامات تشکیل ستاد بسیج اقتصادی سهیمه بندی کالاهای اساسی اسکان آوارگان جنگ	

نتیجه گیری

به دلیل فراز و فرود هایی که کشورمان در سال های اول بعد از پیروزی ایران تجربه کرده است بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در انتخابات دوره اول و دوم ریاست جمهوری اهمیت ویژه ای دارد. بنی صدر به دلیل فعالیت هایی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در داخل و خارج از ایران انجام داده بود مورد توجه امام خمینی قرار گرفت و موقع بازگشت امام از پاریس به ایران ایشان را همراهی می کرد. پیشینه علمی بنی صدر و تألیفات او در حوزه مذهب، تاریخ، سیاست و اقتصاد چنان بود که از او نسبت به دیگران چهره ای جامع تر و متمایز تر می ساخت. وی از آنجا که در رشته اقتصاد تحصیل کرده بود و پژوهش هایی را نیز انجام داده بود خود را در امور اقتصادی صاحب نظر می دانست. دیدگاه های او در مورد مسایل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و و خوشانسی وی در حذف خود به خودی رقبای اصلی (جلال الدین فارسی و مسعود رجوی) و حمایت تلویحی امام و منسوبان ایشان موجب شد که مورد توجه قرار گیرد. نابسامانی های اوایل انقلاب موجب شده بود که کشور جو نا آرامی داشته باشد و گرایش های مختلف سیاسی سعی

داشتند فرد مورد نظر خود را به کرسی به نشاند ، بررسی چگونگی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تا دوره ششم بیانگر استراتژی ای می باشد که هدف اصلی آن آرام کردن فضای جامعه از راه کاهش رقابت ها و تأیید خطوط قرمز نظام بوده است. اشغال سفارت آمریکا نیز عاملی بود که این روند را تسریع کرد. بنی صدر با بیان دیدگاه های خود توانست رأی اکثریت را به دست آورد و امام حکمریاست جمهوری وی را تنفیذ نمود ولی بعد از ریاست جمهوری به دلیل مشکلات عدیده ای که با نخست وزیر (رجایی) پیدا کرد و تصمیمات و سخن رانی های خود محورانه ای که داشت و نتوانست امور جنگ را هم به خوبی اداره کند مورد انتقاد قرار گرفت و در نهایت شانزده ماه پس از ریاست جمهوری به دلیل بی کفایتی از سمت ریاست جمهوری عزل شد. بنابر نظریه نوریس عوامل اصلی در مشارکت سیاسی در دولت اول که شامل برنامه های مختلف بنی صدر می شد را می توان در سطوح خرد یعنی نظریه منابع و انگیزه و سطوح میانی یعنی تغییر ساختار های دولت برای ایجاد جامعه ای بهتر از قبل در سطح داخلی و بین المللی تبیین نمود. بعد از عزل بنی صدر کسی که بیشتر مورد توجه قرار گرفت محمد علی رجایی نخست وزیر دولت اول بود که به دلیل سابقه انقلابی اش ، قانون مداری و عدالت گرایی مورد توجه بود دیدگاه های انقلابی وی در زمینه ارتباط با شرق و غرب و توانایی او در سامان دادن به امور جنگ و اسکان آوارگان همچنین خصوصیات های شخصیتی و ساده زیستی وی در مقایسه با سایر رقبا موجب پیروزی او در انتخابات شد. مطابق نظریه نوریس در این دوره از انتخابات نیز دیدگاه های عدالت گرای رجایی در سطح خرد و نظریه انگیزه منابع و نظرات خود باورانه وی در ارتباط با ابر قدرت ها در سطح میانه تأثیر گذار بوده است. دولت دوم به دولت مستعجل مشهور شد چرا که عمر آن بسیار کوتاه و حدود ۲۸ روز بوده است که با بمب گذاری در دفتر نخست وزیری و شهادت محمد علی رجایی و تعدادی دیگر به پایان رسید.

کتابنامه

- ۱- احمدی سفیدان، حسین و نصیرزاده، زهرا (۱۳۹۹)، بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در دولت های نهم و دهم، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۲۹.
- ۲- اکرمی، ک (۱۳۷۸)، رجایی مرد خدا عاشق مردم و مطیع قانون، رجایی رجایی بود،

- مجموعه مقالات، استانداری قزوین.
- ۳- ایوبی، ح (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی در ایران، تجربه‌ای خشونت‌بار و پرهزینه در مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۴- بنی‌صدر، ا (۱۳۹۶)، انقلاب، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۵- پرگاری، ص و پورآرین، ف و جوان، م (۱۳۹۹)، تعامل و تقابل بنی‌صدر با مجلس بر سر انتخاب نخست‌وزیر و کابینه، گنجینه اسناد، ۳۰.
- ۶- پناهی، م (۱۳۷۸)، بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی بر اساس شعارهای انقلاب، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ۷- تبریز نیا، ح (۱۳۷۱)، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز نشر بین‌الملل.
- ۸- خواجه سروری، غ و جعفرپور کلوری، ر (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی در دو دوره پهلوی و جمهوریت اسلامی، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۱۱، شماره ۴۰.
- ۹- دفروئزو، جیمز (۱۳۷۹)، انقلاب اسلامی از چشم‌انداز نظری، مترجم: حمیرا مشیرزاده، تهران، شابک.
- ۱۰- راعی، س (۱۳۸۸)، شهید رجایی از ریاست جمهوری تا شهادت، خبرگزاری فارس روزنامه‌ها.
- ۱۱- رحمت الهی، ح و آقامحمد آقایی، ا (۱۳۹۲)، درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره سوم.
- ۱۲- زنگویی، م (۱۳۹۷)، کاوشی بر مشارکت سیاسی در ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۲.
- ۱۳- سنجابی، ک (۱۳۸۱)، خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، تهران، صدای معاصر.
- ۱۴- سید امامی، ک و عبدالمطلب، ع (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، پژوهش نامه علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۴.
- ۱۵- شادلو، ع (۱۳۹۶)، سودای جمهوری، اندیشه، زمانه و ناگفته‌های تاریخی اولین رئیس‌جمهور ایران، تهران، وزرا.
- ۱۶- شاه علی، ا و اسدی، م سلیم بیگی، ح (۱۳۹۹)، تحلیل مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، پاییز

- ۱۷- شهبازی، م (۱۳۸۰)، تقدیر مردم سالاری ایرانی، تهران، انتشارات روزنه
- ۱۸- عسگری راد، ه (۱۳۷۸) خاطراتی از شهید رجایی، تربیت، جلد دوم، تهران.
- ۱۹- علی بابایی، د (۱۳۸۲)، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت، انتشارات امید فردا، جلد ۱ و ۲ و ۳.
- ۲۰- فیرحی، د (۱۳۸۵)، مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان، شماره اول.
- ۲۱- ملکی، ع (۱۳۹۹)، مبانی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۳۰.
- ۲۲- نراقی، ا (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی در ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سخن.
- ۲۳- نمازی، ه (۱۳۹۹)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر ۶۱۸۰، ۱۸ شهریور
- ۲۴- نوریس، پپیلا (۱۳۸۵)، مهندسی انتخابات، ترجمه دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسیوزارت کشور، سیاست داخلی، سال ۱، شماره ۱.
- ۲۵- کیهان، ۲۹ دی ماه ۱۳۵۸
- ۲۶- روز نامه کیهان،
- ۲۷- روزنامه اطلاعات
- ۲۸- روزنامه انقلاب اسلامی
- ۲۹- روزنامه جمهوری اسلامی
- ۳۰- روزنامه همشهری

خبرگزاری‌ها

- ۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ شهریور ۱۳۹۸، کد خبر: ۸۳۴۴۹۶۱۶.
- ۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶
- ۳- رجانیز (۱۳۹۵) کد خبر: ۲۵۳۴۰۹
- ۴- مصاحبه محمدعلی رجایی با مجله پیام انقلاب، شماره ۲۵، ۱۳۵۹/۱۱/۱۱
- ۵- مصاحبه با علی اکبر معین فر، هفته نامه تجارت فردا، ش ۷۴ بهمن ۱۳۹۲
- ۶- مصاحبه با محمد جواد مظفر، هفته نامه صدا، ش ۱۲۰، تیر ۱۳۹۶

- ۷- مصاحبه مطبوعاتی محمدعلی رجایی با روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۳۰
- ۸- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر: ۶۱۸۰
- ۹- خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹/۶/۵
- ۱۰- دفتر تحقیقات و انتشارات روابط عمومی نخست‌وزیری (۱۳۶۰).
- ۱۱- هیأت تحریریه واحد فرهنگی بنیاد شهید (۱۳۶۲).
- ۱۲- مجله سروش (۱۳۶۰).
- ۱۳- پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس (۱۳۶۲).